

بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در صنعت بیمه

امیر فرشاد هوشمندی راد

کارشناس ارشد حقوق، مدیر بازرسی بیمه سامان

چکیده

در راستای مرتفع کردن بی‌اعتمادی در بازارهای جهانی مفهوم حاکمیت شرکتی مطرح شد، وجود حاکمیت شرکتی به نفع همه ذینفعان مالی شرکت و بخش‌های مختلف اقتصادی است حاکمیت شرکتی مطلوب نقش مهمی در بهبود کار آیی و رشد اقتصادی و درعین حال افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران نیز نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند. بدین منظور در این تحقیق به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در صنعت بیمه پرداخته شده است. بدین منظور، به ابعاد حاکمیت شرکتی داخلی (استقلال کمیته حسابرسی، استقلال هیئت‌مدیره، اندازه کمیته حسابرسی، جلسات کمیته حسابرسی، جلسه هیئت‌مدیره، تخصص مالی کمیته حسابرسی) بر مدیریت سود، مورد بررسی قرار گرفت. این تحقیق در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۱، در صنعت بیمه اجرا گردید. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews، مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد، از میان معیارهای هشت‌گانه حاکمیت شرکتی داخلی، استقلال هیئت‌مدیره، استقلال کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی، بر مدیریت سود، تأثیر منفی دارد اما سایر متغیرها بر مدیریت سود، تأثیری نداشته است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، صنعت بیمه.

مقدمه

یکی از ابعاد بخش مالی که همواره مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد ساختار، ترکیب و سهم بازارهای مالی در نظام مالی است. بانک، بازار سرمایه و بیمه سه بازار مالی کلاسیک هستند که تجهیز و تخصیص منابع مالی در این بازارها صورت می‌گیرد، اما از آنجایی که تخصیص منابع در صنعت بیمه عمدتاً از کانال بانک یا بازار سرمایه صورت می‌گیرد، می‌توان بیان کرد که نظام مالی دارای دو قطب بازار سرمایه و بانک است که بسته به میزان وابستگی بخش حقیقی اقتصاد به هریک از این دو قطب، ساختار مالی کشورهای مختلف تشکیل می‌شود. بر این اساس، اگر بیشتر تأمین مالی در یک سیستم توسط بانک صورت گیرد، آن نظام را نظام بانک محور می‌گوییم و اگر بخش عمده‌ای از تأمین مالی که از طریق بازار سرمایه صورت گیرد، نظام تأمین مالی بازار محور خواهیم داشت. تأمین مالی که از طریق بازار سرمایه صورت می‌گیرد عمدتاً تأمین مالی مستقیم و بدون واسطه می‌باشد. در حالی که تأمین مالی از طریق نظام بانکی عمدتاً غیرمستقیم و با واسطه می‌باشد. به ای معنی که منابع مالی با یک واسطه که همان بانک باشد از پس‌انداز کنندگان به متقاضیان وجوه مالی انتقال خواهد یافت. بانک‌ها یا مؤسسات سپرده‌پذیر از طریق جذب پس‌انداز مردم در غالب انواع سپرده‌ها، منابع را جمع‌آوری و جذب می‌کند و از طریق اعطای تسهیلات برای مخارج فعالان اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری و مصرف، منابع خود را تخصیص می‌دهند (ابراهیمی، ۱۳۹۳).

بر اساس نظریه نمایندگی، رابطه بین مدیران و سهامداران در تضاد می‌باشد. جدایی مالکیت از مدیریت سبب درگیری‌های نمایندگی و بروز رفتار فرصت‌طلبانه مدیر و عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. در واقع نیاز سهامداران برای کنترل مدیران، به‌طور مثبتی با پیچیدگی‌های سازمان مرتبط است. این پیچیدگی به‌وسیله افزایش سطوح مراتبی سازمانی، موجب ایجاد محدودیت برای سهامداران می‌گردد. (ماسیمو همکاران^۱، ۲۰۱۴). در مقابل این افزایش پیچیدگی و نفوذ تصمیم‌گیری، ما می‌توانیم به مشکلات نمایندگی و دشواری‌های مرتبط آن اشاره نماییم که عدم تقارن اطلاعاتی سبب این امر می‌شود که مدیران از رفتارهای فرصت‌طلبان برای افزایش منافع خود بهره‌برند. بر اساس مکانیسم حاکمیتی شرکت‌ها، نقش اساسی حسابداری و ساختار مالکیت، کاهش این عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران می‌باشد (عثمان^۲، ۲۰۱۳) مکانیسم‌های کنترل داخلی بر رابطه بین متغیرها با تئوری نمایندگی مؤثر و می‌تواند مرتبط باشد (کایوب و جاربوب^۳، ۲۰۱۴).

یکی از نقش‌های حاکمیت شرکتی کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. نقش حاکمیت شرکتی زمانی مفیدتر است که مدیران از منافع سهامداران منحرف می‌شوند. نمونه‌ای از انحراف از منافع سهامداران مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی است. حاکمیت شرکتی احتمالاً وقوع مدیریت سود را کاهش می‌دهد و احتمالاً درک سرمایه‌گذاران را از اعتبار عملکرد شرکت‌ها که به‌وسیله سودها در شرایط مدیریت سود ارزیابی می‌شود را بهبود می‌بخشد (رانمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۹). مدیریت سود یکی از مراحل عمده برای گمراه کردن سهامداران با استفاده از اختیارات خود برای استفاده از استانداردهای حسابداری و تأثیر آن بر گزارش‌های مالی، تأثیر دارد. دو نظریه تئوری نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی و یا نظریه سیگنال دهی، نشان می‌دهد که انگیزه‌های بسیاری (مثل حداکثر کردن پاداش، کاهش هزینه نمایندگی، حداکثر کردن درآمد عرضه اولیه و غیره) وجود دارد. در واقع مدیریت سود می‌تواند اثرات مضر و جدی بر روی سرمایه‌گذاران و چشم‌انداز شرکت داشته باشد که مطالعات قبل نشان داده است که می‌تواند تأثیر منفی بر عملکرد شرکت داشته باشد. مکانیزم‌های مختلف داخلی و خارجی به‌طور گسترده‌ای می‌تواند ثروت سهامداران را حفظ نماید و ادبیات موجود بیان می‌کند که حاکمیت شرکتی داخلی و کیفیت افشای شرکت می‌تواند مدیریت سود را مهار نماید. به‌عنوان مثال نقش اصلی مدیریت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و حفاظت از منافع سهامداران است. در حال که تعدادی از مطالعات در بررسی رابطه بین کیفیت افشا و مدیریت سود، شکست

¹ Massimo et al

² Usman

³ Kouaiba & Jarbouib

خورده‌اند و نشان داده‌اند که تأثیر هم‌زمان حاکمیت شرکتی و کیفیت افشاء بر مدیریت سود، ناموفق بوده است (کاتم و الفروغ^۱، ۲۰۱۵).

یکی از اجزای اصلی حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی برای نظارت و بازبینی فرآیندهای ارائه گزارش‌های مالی است. باین‌حال تا سال ۱۹۸۷ با توجه به گسترش و بزرگ شدن اندازه شرکت‌ها و افزایش ثقل شرکت‌ها و دیگر مؤسسات مالی شرکت‌های دولتی، نیازمند اتخاذ کمیته حسابرسی برای ترویج آگاهی در مورد نقش و اهمیت مدیران غیر اجرایی پرداخته شد. با توجه به گسترش رسوایی شرکت انرون، توجه به گزارش‌های کمیته حسابرسی، به‌عنوان یک عنصر مهم در شرکت‌ها برای پاسخگویی در نظر گرفته شده است (فاریوس و همکاران^۲، ۲۰۱۵).

همیشه امکان تلاش برای هر دو گروه یعنی مالکان سرمایه و مدیران به‌عنوان کنترل‌کننده‌های قدرت، در جهت کسب منافع مشترک به‌طور هم‌زمان، وجود ندارد. به همین دلیل امکان دارد گاهی اوقات منافع شخصی شرکای اصلی و مقامات ارشد اجرایی بر نفع شخصی دیگر افراد، برتری داشته باشد. از آنجایی که مقامات ارشد اجرایی، که از منافع شخصی خود استفاده کرده، می‌توانند درآمدی برای خود ایجاد کنند، سهامداران و مدیران اجرایی‌ای که کنترل امور به دستشان است نیز می‌توانند سرمایه یا اعتبار مالی را به دیگر شرکت‌ها (که خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند) انتقال دهند (آرن و همکاران^۳، ۲۰۱۴).

مطالعات گسترده‌ای به بررسی رابطه بین مدیریت سود و حاکمیت شرکتی پرداخته است. در آن تحقیقات با در نظر گرفتن دیدگاه رقابتی به بررسی اثربخشی حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در بازارهای توسعه یافته و در حال توسعه پرداخته شده است. لولو^۴ (۲۰۰۷)، جیانگ و همکاران^۵ (۲۰۰۸) و کانگ و کیم^۶ (۲۰۱۱) رابطه معکوسی را بین شاخص حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، پیدا کردند. با توجه به متغیرهای خاص حاکمیت شرکتی، زی و همکاران^۷ (۲۰۰۳) نشان دادند که استقلال هیئت‌مدیره، تخصص کمیته حسابرسی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره سبب کاهش انگیزه برای مدیریت سود می‌گردد. بدارد و همکاران^۸ (۲۰۰۴) دریافتند که استقلال کمیته حسابرسی، استقلال هیئت‌مدیره و تخصص کمیته حسابرسی سبب کاهش انگیزه مدیریت سود می‌گردد درحالی‌که اندازه هیئت‌مدیره، مدیران غیر اجرایی و باتجربه در هیئت‌مدیره، مدیریت سود را کاهش می‌دهند. دیوید سن و همکاران^۹ (۲۰۰۵) و بنکل و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۶) نیز یک اثر بازدارنده قوی بین هیئت‌مدیره و استقلال کمیته حسابرسی را در مدیریت سود نسبت به کیفیت حسابرسی و عوامل کنترل داخلی، نشان دادند (کاتم و الفروغ^{۱۱}، ۲۰۱۵).

دیهان و همکاران (۲۰۰۱) بیان کردند که هیئت‌مدیره یک نهاد مهم در شرکت رابط بین مدیران و سهام‌داران می‌باشد که نقش مهمی در حاکمیت شرکت دارد. هیئت‌مدیره اکثر کارای نظارتی را انجام می‌دهد که یک جزء مؤثر بر عملکرد شرکت می‌باشد. بایسینگر و بوت^{۱۱} (۱۹۸۵) نشان دادند که شرکت‌های که هیئت‌مدیره آن به‌وسیله مدیران غیر اجرایی نظارت می‌شود، عملکرد بهتری دارند. کاسی و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۶) کانگرامتون و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۷) بیان کردند که شرکت‌هایی با مدیریت مؤثر در نظارت، تمایل به افشای بیشتر اطلاعات با کیفیت بالا دارند که به نوبه خود باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که نظارت بر فعالیت‌های هیئت‌مدیره از طریق کمیته حسابرسی، کمیته‌های دستمزد و حسابرسان خارجی، نقش کلیدی در فرآیند نظارت دارند. ساختار مالکیتی شرکت نیز عامل تعیین‌کننده در سطح افشا می‌باشد. فاما

¹ Katmon. & Al Farooque

² Fairus et al

³ Aren

⁴ Liu and Lu

⁵ iang et al

⁶ Kang and Kim

⁷ Xie et al

⁸ Be'dard et al

⁹ Davidson et al

¹⁰ Benkel et al.

¹¹ Baysinger and Butler

¹² Cai

¹³ Kanagaretnam

جنسن (۱۹۸۳) پیشنهاد می‌کنند که مالکیت سهام به‌طور گسترده‌ای عامل مالی در عملکرد کلی شرکت می‌باشد. پترسن و پن بورگ^۱ (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که شرکت‌هایی با تمرکز مالکیت بالا ممکن است تمایلی به افشای داوطلبانه اطلاعات برای سهام‌داران نداشته باشند تا سهامداران از منابع اطلاعاتی جایگزین استفاده نمایند. سینگای و دسای (۱۹۷۱) ادعا می‌کنند که در صورت انتخاب‌های نادرست مدیریت و کسب سود بالا، مدیران مجبور به ارائه اطلاعات بیشتر برای نشان دادن توانایی‌شان برای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران و پاداش‌های مدیریتی باشند. بیشتر محققان استدلال می‌کنند که در صورت مدیریت سودآور، ممکن است مدیران تمایل به ارائه اطلاعات بیشتر از عملکرد شرکت و ایجاد تصویر مثبت داشته باشند. برخی از تحقیقات نشان داده است که تمایل شرکت‌ها به افشای اطلاعات به نتایج مثبت درآمد و پیش‌بینی آن‌ها از درآمدهای آتی دارد که به‌طور مستقیم با بازده مثبت همراه است. اخیراً پترسن و پنبورگ (۲۰۰۶) با استفاده از یک مدل رگرسیونی نشان دادند که بین بازده شرکت به مبلغ سرمایه‌گذاری و نسبت گردش^۲، بین ROI^۳ و عدم تقارن اطلاعاتی نامحدود می‌باشد. مرتون (۱۹۸۷) بیان کرد که سرمایه‌گذاران به احتمال زیاد در مورد مبادله و سرمایه‌گذاری در مورد شرکت‌ها به‌خوبی عمل می‌نمایند قضاوت آن‌ها مطلوب می‌باشد. کیفیت بالای افشا سبب کاهش هزینه پردازش اطلاعات خاص شرکت می‌گردد و دیاموند و همکاران (۱۹۹۱) استدلال می‌کنند که افشای داوطلبانه اطلاعات عدم تقارن اطلاعاتی را بین سرمایه‌گذاران آگاه و ناآگاه کاهش می‌دهد (آلوس و همکاران، ۲۰۱۵).

اثربخشی کمیته حسابرسی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در حاکمیت شرکتی دارد. وظیفه اولیه کمیته حسابرسی، کمک به مدیران در گزارشگری مالی و کنترل داخلی و برقراری ارتباط بین مدیریت مالی، حساب‌رسان مستقل و حساب‌رسان داخلی است. در استرالیا، باکستر^۳ (۲۰۱۰) در تجزیه و تحلیل شاخص‌های کیفیت کمیته حسابرسی مانند ترکیب هیئت‌مدیره، فعالیت هیئت‌مدیره، نوع حساب‌رس و اهرم مالی، نشان داد که ترکیب هیئت‌مدیره، نوع حساب‌رس، فعالیت هیئت‌مدیره و اهرم مالی به بهبود کیفیت کمیته حسابرسی کمک می‌نماید. آیر و همکاران^۴ (۲۰۱۳) نیز در بررسی ویژگی‌های کارشناسان مالی در زمینه حسابداری و تجربه مدیریتی در کمیته حسابرسی در ایالات متحده آمریکا پرداختند. نتایج نشان داد که هیئت‌مدیره اثر مثبتی بر تجربه کمیته حسابرسی دارد و تجربه حسابرسی و دانش حسابداری به مدیریت سود کمتر و کنترل داخلی بهتر منجر می‌شود (فاریوس و همکاران، ۲۰۱۵).

امروزه بحث حاکمیت شرکتی و نحوه اداره شرکت‌ها مورد توجه بسیاری از محققین و مدیران قرار گرفته است. در برخی موارد تصمیماتی که مدیر یک شرکت می‌گیرد، ممکن است به نفع سهامداران نباشد و سهامداران از تصمیمات مدیر متضرر گردند زیرا در این شرایط مدیران و مالکان اهداف و انگیزه‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند. در این میان حضور سرمایه‌گذاران نهادی که شامل شرکت‌ها و مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری مانند بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های بیمه و سایر نهادهای مالی می‌شود، می‌تواند در عملکرد شرکت‌ها تأثیرگذار باشد. خصوصی‌سازی صنعت بیمه در ایران موجب گردید شمار ذینفعان شرکت‌های بیمه که قبل از آن عمدتاً بیمه‌گذاران و دولت را شامل می‌گردید، افزایش یافته و سرمایه‌گذاران خرد و کلان و اصولاً "فعالان بازار سرمایه در زمره ذینفعان این صنعت که سابقه فعالیت آن در ایران بیش از هفتاد سال است قرار گیرند. با عنایت به تحولات اخیر در عرصه‌های بین‌المللی و توجه به رعایت حقوق کلیه ذینفعان و حفاظت از منافع سهامداران با تدوین اصول حاکمیت شرکتی و در نظر داشتن این نکته که شرکت‌های بیمه به‌عنوان مؤسسات مالی و اعتباری پذیرنده ریسک و یک پایگاه اجتماعی برای عموم مردم از نقطه نظر سلامت ساختار مالی و توانگری حائز اهمیت بالایی هستند و بروز هرگونه مشکلات مالی و رسوایی در این‌گونه شرکت‌ها نه تنها سهامداران آن‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد، بلکه بسیاری از افراد جامعه شامل بیمه‌گذاران و سایر ذینفعان از آن متأثر خواهند شد، لذا تدوین اصول حاکمیت شرکتی خاص برای شرکت‌های بیمه به‌ویژه با عنایت به گسترش فعالیت شرکت‌های بیمه خصوصی در چند سال اخیر واگذاری بخش عمده سهام شرکت‌های

¹ Petersen and Plenborg

² return on invested capital

³ Baxter

⁴ Iyer et al

بیمه دولتی به بخش خصوصی و عموم مردم، امری است اجتناب ناپذیر. بدین منظور تحقیق حاضر در صدد بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی داخلی بر مدیریت سود شرکت‌های بیمه است. در ادامه این مقاله، به بررسی مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها، خواهیم پرداخت، در بخش سوم، به ارائه مدل و تعریف عملیاتی متغیرها، در بخش چهارم، به تجزیه و تحلیل داده‌ها و در آخر به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲- ادبیات تحقیق

امروزه اگر شرکت‌ها بخواهند از مزایای جهانی شدن سرمایه برخوردار شوند و قابلیت آن را داشته باشند تا سهام خود را در بورس‌های معتبر دنیا عرضه نمایند و از این طریق بتوانند سرمایه‌های کم‌هزینه و بلندمدتی را جذب کنند، عواملی از جمله یک برنامه منظم و مدون تحت نظام حاکمیت شرکتی ضرورت دارد. با توسعه شرکت‌های سهامی و مطرح شدن تئوری نمایندگی و افزایش وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره شرکت‌ها، این سؤال به صورت جدی‌تر مطرح می‌گردد که مدیرانی که در واقع مالک شرکت نمی‌باشند چگونه پیگیر منافع سهامداران (مالکان موسسه) خواهند بود. با تفویض اختیارات نامحدود از سوی مالکان شرکت به هیئت‌مدیره، توجه به نظام حاکمیت شرکتی به صورت چشمگیری افزایش یافته است (معین الدین و همکاران، ۱۳۹۳). همیشه امکان تلاش برای هر دو گروه یعنی مالکان سرمایه و مدیران که قدرت را کنترل کرده، در جهت کسب منافع مشترک به طور هم‌زمان، وجود ندارد. به همین دلیل امکان دارد گاهی اوقات نفع شخصی شرکای اصلی و مقامات ارشد اجرایی بر نفع شخصی دیگر افراد، برتری داشته باشد. از آنجایی که مقامات اجرایی ارشد که از منافع شخصی خود استفاده کرده می‌توانند درآمدی برای خود ایجاد کنند، سهامداران و مدیران اجرایی‌ای که کنترل امور به دستشان است نیز می‌توانند سرمایه یا اعتبار مالی را به دیگر کمپانی‌ها (بی که خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند) انتقال دهند (آرن و همکاران^۱، ۲۰۱۴). وجود نظام حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند شرکت‌ها را در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و تشویق آن‌ها به سرمایه‌گذاری کمک کند و اجرای این اصول در سطح شرکت طبق پژوهش‌های تجربی انجام شده باعث بهبود عملکرد مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود (بلک و همکاران^۲، ۲۰۰۶).

نظام حاکمیت شرکتی در پی تغییر و تحول در مدیریت شرکت‌های سهامی از مدیریت سنتی به سوی مدیریت پویا و مستقل می‌باشد. در این ساختار نه تنها منافع سهامداران تضمین می‌شود بلکه شرکت در مقابل اشخاص نظیر: طلبکاران، بانک‌ها، مصرف‌کنندگان و نهایتاً جامعه نیز پاسخگو می‌باشد از سوی دیگر، تصمیم‌گیری در مورد ساختار سرمایه، به معنی نحوه تأمین مالی شرکت، همچون سایر تصمیمات مدیران مالی بر روی ارزش شرکت تأثیرگذار است. ارزش شرکت، مانند هر دارایی سرمایه‌ای، برابر ارزش فعلی بازدهی‌های آتی آن بر اساس یک نرخ تنزیل معین است. این نرخ تنزیل برای به دست آوردن ارزش شرکت، همان هزینه سرمایه است. مدیران به‌عنوان نمایندگان صاحبان سهام می‌بایست تلاش نمایند، ساختار سرمایه شرکت را به گونه‌ای تنظیم نمایند که هزینه سرمایه شرکت، حداقل و در نتیجه ارزش شرکت و ثروت سهامداران حداکثر گردد (معین الدین و همکاران، ۱۳۹۳).

سازوکارهای نظام راهبری شرکتی ناظر بر نحوه حاکمیتی است که بر یک شرکت اعمال می‌شود و شامل فرآیندهایی برای راهبری تلاش‌های شرکت در راستای ایجاد ارزش برای سهامداران و سایر ذینفعان شرکت می‌باشد (حسن و همکاران^۳، ۲۰۰۹). بدین ترتیب سازوکارهای نظام راهبری شرکتی نظام هدایت و کنترل شرکت‌ها شناخته می‌شود و ساختار آن دامنه مسئولیت‌ها و حقوق هیئت‌مدیره، مدیران، سهامداران و سایر ذینفعان را تعیین می‌کند. عموماً سازوکارهای نظام راهبری شرکتی در دو گروه داخلی و خارجی طبقه‌بندی می‌شوند. سازوکارهای نظارتی داخلی به فرآیند طبیعی نظارت مدیران ارشد بر مدیران سطوح پایین‌تر، نظارت متقابل در بین مدیران سطوح مختلف وظایف نظارتی اعضاء هیئت‌مدیره اشاره دارد.

¹ Aren

² Black, B., et al

³ Hasan, A. and Butt, S.

سازوکارهای نظارتی خارجی نیز شامل بازار کار مدیریتی، نظارت بازار سرمایه از طریق تحلیل گران مالی، سهامداران نهادی، سهامداران عمده و بازار کنترل شرکت است (هی و همکاران^۱، ۲۰۱۰). بنابراین، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی دارای ابعاد گوناگونی است که باعث کاهش تعارض نمایندگی می‌شود و ممکن است در برگیرنده جنبه‌های متفاوتی باشد که جایگزین و مکمل یکدیگر هستند (دی^۲، ۲۰۰۸).

در یک نگاه کلی حاکمیت شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت‌وسوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کنند. عناصری که در این صحنه حضور دارند، عبارت‌اند از سهامداران و ساختار مالکیت، اعضاء هیئت‌مدیره و ترکیباتشان، مدیریت شرکت که توسط مدیرعامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفع‌ها که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۷).

سیستم حاکمیت شرکتی به‌عنوان مکانیزم نظارتی و اعمال کنترل رفتارهای مالی و مدیریتی تلقی می‌گردد و این سیستم‌ها هماهنگ با نظام حقوقی و فرهنگی هر شرکت (سازمان) تدوین می‌گردد و سازوکارهای آن با توجه به این شرایط تدوین می‌گردد. مهم‌ترین اجزاء این سیستم در شرکت نسبت اعضای موظف و غیرموظف هیئت‌مدیره، استقلال آن‌ها از مدیران اجرایی، وجود یا عدم وجود کمیته‌ها از جمله کمیته حسابرسی و نیز وجود سرمایه‌گذاران نهادی می‌باشد. اگر این اجزا و سازوکارها به‌درستی اعمال شود موضوع نظارت و کنترل به‌درستی تحقق می‌یابد (بنجامین^۳، ۲۰۰۹).

حاکمیت شرکتی شامل مجموعه‌ای از رویه‌های قانونی، نهادی و فرهنگی است، روشی که بر اداره یا کنترل شرکت تأثیر دارد. اهمیت حاکمیت شرکتی توسط ادبیات تحقیق عظیمی، که در بخش‌های مختلف به آن پرداخته شده است (بوباکاچ و بسباچ^۴، ۲۰۱۰؛ براون و همکاران^۵، ۲۰۱۱). بر این اساس حاکمیت شرکتی در هر تصمیم‌گیری استراتژیک و عملیاتی شرکت‌ها نقش عمده‌ای دارد و برای شرکت‌ها بسیار مهم است. تا حد زیادی در ادبیات پیشین رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود (کلاین^۶، ۲۰۰۲؛ زی و همکاران^۷، ۲۰۰۳) تصمیمات سرمایه‌گذاری بهینه (ماسولیس و همکاران^۸، ۲۰۰۷؛ هافورد و همکاران^۹، ۲۰۰۸؛ ریچاردسون^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ بوهرن و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های پانل نسبتاً زیادی از داده‌های مختلط از صنایع مختلف انجام شده است. در همین امتداد، مطالعات قبلی، فرض می‌کنند که اثربخشی حاکمیت شرکتی از عوامل مهم فرآیند تصمیم‌گیری مدیریت مالی و گسترده‌تر از عملکرد شرکت است (اندور و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴).

مالوکین و سامانتا^{۱۳} (۲۰۱۱) مدعی شدند که رابطه منفی (مثبتی) بین مؤسسات بانکی (صندوق‌های سرمایه‌گذاری) به‌عنوان یک سهامدار غالب و ارزش شرکت (FV) وجود دارد. دلیل این ادعا این بوده است که ممکن است مدیران شرکت‌ها با مدیران بانک‌ها از بودجه شرکت برای اهداف خصوصی خود و صندوق سرمایه‌گذاری استفاده نمایند که سبب کاهش عملکرد شرکت می‌گردد. چن و همکاران (۲۰۱۰) رابطه منفی بین نیازهای تأمین مالی خارجی و ارزش شرکت دست یافتند. سامانتا و مالوکین (۲۰۱۱) یک رابطه مثبت بین ارزش شرکت و حضور بانک‌ها به‌عنوان سهامدار کنترل‌کننده و یا شریک دو سوم سهام شرکت، وجود دارد. یانگ و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که رابطه مثبتی بین حاکمیت شرکتی و ارزش شرکت وجود دارد. (آرن و همکاران، ۲۰۱۴).

¹ He, E. and D. W. Sommer

² Dey

³ Benjamin

⁴ Bebchuk and Weisbach

⁵ Brown et al

⁶ Klein

⁷ Xie et al

⁸ Masulis et al

⁹ Harford et al

¹⁰ Richardson

¹¹ Bohren et al

¹² Andreou

¹³ Mallorquí & Santana-Martin

ارکان حاکمیتی هیئت‌های مدیره، کمیته‌های حسابرسی، مدیریت، حسابرسان داخلی و مستقل، همگی زنجیره تولید و عرضه اطلاعات مالی و فرایند گزارشگری مالی با کیفیت در پرهیز و جلوگیری از تقلب‌ها هستند. حسابرسان داخلی نقش کلیدی در حفظ و ترمیم چارچوب ایمن کنترل‌های داخلی ایفا کرده و مسئولیت حرفه‌ای ارزیابی طراحی و اثربخشی برنامه‌های تقلب و کنترل‌های داخلی مربوط به آن برنامه‌ها و تشخیص پتانسیل رویدادهای متقلبانه را دارند و بر این مبنای چگونگی اعمال مدیریت ریسک از سوی سازمان را نظارت، آزمون و ارزیابی می‌کنند (وارثیان، ۱۳۹۲). تئوری نمایندگی نشان می‌دهد که سهامداران با القای نظام حاکمیت شرکتی، مشکلات نمایندگی را کاهش دهند. ژيرو مولر^۱ (۲۰۱۱) و براون و همکاران^۲ (۲۰۱۱) همکاران^۳ (۲۰۱۱) در نتایج تحقیقاتشان نشان دادند که حاکمیت شرکتی بر سیاست‌ها و عملکرد شرکت مؤثر است. یکی از مهم‌ترین وجه مدیریت مالی، تصمیم سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری با دیدگاه افزایش ثروت سهامداران است. در عمل مدیران بر اساس مشوق‌های مختلف به دنبال سرمایه‌گذاری‌ها زیر حد مطلوب و کوتاه‌مدت گرایش دارند و در نتیجه بر اساس تمایلات سرمایه‌گذاری‌های خود در پروژه‌های غیر سودمند سرمایه‌گذاری می‌کنند. شواهد تجربی از این نتایج حمایت می‌کند به‌خصوص استابین و ملک نیکلز^۴ (۲۰۰۸) دریافتند که مدیران بیش‌ازحد در دارایی‌های ثابت در طول دوره عملکرد خود، به‌طور متورم سرمایه‌گذاری می‌نمایند. کیدا و فیلیپن^۵ (۲۰۰۹) نشان دادند که سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را برای نشان دادن درآمد اغراق آمیز خود، به کار می‌برند (اندرو همکاران، ۲۰۱۴).

مانگنا و تائورینگا^۶ (۲۰۰۷) در پژوهش خود در زیمبابوه به این نتیجه رسیدند که نسب مالکیت سرمایه‌گذاران شرکت‌های بزرگ، در صد مدیران غیرموظف اجرایی و تعدادی اعضای حسابرس مستقل با میزان سهام متعلق به سهامداران خارج، رابطه مثبتی دارد. پرش و گوپال^۷ (۲۰۱۰) اظهار داشتند که سهامداران خارج از شرکت با شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، ارتباط مثبتی دارد. لینک و همکاران^۸ (۲۰۰۸) تأکید کردند که ارزش شرکت، نسب بدهی، عملکرد مالی و اداره شدن در زمینه‌های مختلف با اندازه هیئت‌مدیره مستقل و تعداد اعضای مستقل مرتبط است. علاوه بر این آرن و همکاران^۹ (۲۰۱۲) نشان دادند که رابطه منفی بین نسبت‌های گروهی و سودآوری شرکت در تایوان و ترکیه دست یافتند. میزونو^{۱۰} (۲۰۱۰) بیان کرد که اقدامات حاکمیت شرکتی زمانی بهبود خواهد یافت که سرمایه‌گذاران شرکت‌های بزرگ^{۱۱} (CI) وجود داشته باشد. کیم و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۷) رابطه منفی (مثبتی) را بین حقوق سهامداران اقلیت در یک کشوری و ساختار مالکیت (استقلال هیئت‌مدیره در شرکت) یافتند. همچنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند که حمایت قانونی قوی‌تر از سرمایه‌گذار با اعضای مستقل هیئت‌مدیره شرکت مرتبط است. لیوز و همکاران (۲۰۰۳) در مطالعه خود که شامل ۳۱ کشور بوده است، پیشنهاد کردند که شیوه‌های مدیریت سود در کشورهایی که در آن بازار سهام از سرمایه‌گذاری حمایت قوی دارد، به‌مراتب پراکنده‌تر است. بر این اساس، حمایت قوی از سرمایه‌گذار در کشورهایی با داشتن سیستم عرفی مانند انگلستان و ایالات‌متحده آمریکا، و حمایت ضعیف از سرمایه‌گذار که در آن سیستم قانون مدنی وجود دارد. علاوه بر این، تمرکز مالکیت^{۱۲} (OC) بالای قابل‌توجهی در کشورهای با حمایت ضعیف از سرمایه‌گذار وجود دارد (آرن و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۴).

بالین‌حال درک حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه به دلیل تعدیل مشکلات هزینه نمایندگی لازم می‌باشد. مشکلات نمایندگی از جدایی مالکیت از مدیریت و یا تضاد منافع بین سهامداران کنترلی و غیر کنترلی و یا علاقه و منفعت مدیران به عمل کردن به

¹ Giroud and Mueller

² Brown et al

³ McNichols and Stubben

⁴ Kedia and Philippon

⁵ Mangena and Tauringana

⁶ Bae and Goyal

⁷ Linck et al

⁸ Aren et al

⁹ Mizuno

¹⁰ corporate investors

¹¹ Kim et al

¹² ownership concentration

¹³ Aren et al

نفع خود در مقابل منافع سهامداران، ناشی می‌گردد. همچنین رفتارهای غیر بهینه مدیریتی، فرض می‌شود که شرکت‌کنندگان در بازار نمی‌توانند به‌طور کامل قادر به تشخیص مدیریت سود ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بالا را به همراه داشته باشد که به دلیل ریسک بالا مشکلات نمایندگی می‌باشد. تئوری نمایندگی با این حال نشان می‌دهد که یک سیستم حاکمیت شرکتی به کاهش مشکلات نمایندگی به دلیل کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران منجر می‌شود. مطالعات گذشته به‌طور پراکنده به بررسی بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداخته‌اند. تا حد زیادی به تأیید رابطه بین حاکمیت و نتایج بالقوه آن در مدیریت سود مانند ارائه مجدد صورتهای مالی و یا تقلب در درآمد متمرکز شده است. کلاین (۲۰۰۲) و زی و همکاران (۲۰۰۳) دریافتند که کیفیت ساختار هیئت‌مدیره، به‌خصوص کمیته حسابرسی، به‌طور منفی با ارقام تعهدی اختیاری مرتبط است در نهایت کورنت و همکاران^۱ (۲۰۰۸) دریافتند که سرمایه‌گذاران نهادی مانع از مدیریت سود در شرکت‌ها می‌گردد (اندرو همکاران، ۲۰۱۴).

مدیریت سود یکی از ابعاد مهم کیفیت گزارش مالی و موضوع اصلی در میان تمامی سهامداران شرکت می‌باشد از آنجاکه میزان سود یکی از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد محسوب می‌شود، بنابراین هرگونه دخالتی که سبب شود صحت گزارش‌ها خدشه‌دار گردد می‌تواند بر نحوه تصمیم‌گیری کاربران گزارش‌های مالی تأثیرگذار باشد (زنگین و اوزکان^۲، ۲۰۱۰). پس می‌توان گفت سرمایه‌گذاران به ابعاد کمی و کیفی سود اهمیت زیادی قائل هستند عناصر کمی سود را می‌توان اندازه ارقام تعهدی اختیاری در نظر گرفت، به این ترتیب که هر چه ارقام تعهدی اختیاری در سود بالا باشد نشان دهنده این است که امکان مدیریت سود بیشتر می‌شود (بولو طالبی، ۱۳۸۹). اما نکته حائز اهمیت این است که به‌کارگیری ارقام تعهدی اختیاری (معیاری از مدیریت سود) سالانه برای کشف مدیریت سود موجب عدم کشف مدیریت سود می‌شود. به سبب این‌که تأثیرات مدیریت سود بالا و پایین (جهت مدیریت سود) در میان دوره‌ها در پایان سال تعدیل می‌شود که این موجب کاهش میانگین ارقام تعهدی در پایان سال می‌گردد (زنگین و اوزکان، ۲۰۱۰). همچنین مدیران در میان دوره‌ها انگیزه بیشتری برای مدیریت سود دارند علاوه بر این ارقام تعهدی اختیاری در طول میان دوره‌ها متفاوت است زیرا مدیریت در میان دوره‌ها دید مثبت‌تری دارد و اخبار ناخوشایند را تا میان دوره آخر به تأخیر می‌اندازد که بتواند مدیریت سود کند (گونی و همکاران^۳، ۲۰۰۸). علاوه بر این استانداردهای حسابداری ملزم می‌کند که برخی از درآمدها و هزینه‌ها (مانند مالیات بر درآمد) که ماهیت سالانه دارد ابتدا برای کل سال برآورد شود تا بتوان بر اساس آن، سهم دوره میانی را به نحو مناسب شناسایی کرد بنابراین مدیر می‌تواند با فرصت‌طلبی از این برآوردها استفاده کند و با به کار بردن ابزاری به نام مدیریت سود عملکرد میان دوره‌ها را غلط منعکس کند (دس و همکاران^۴، ۲۰۰۹).

در راستای بررسی حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، محققان معیارها و ابعاد مختلفی را مورد بررسی قرار دادند. آرن و همکاران^۵ (۲۰۱۴) به بررسی عوامل و اثرات سطح حاکمیتی شرکتی شواهدی از بورس استانبول پرداختند. در این تحقیق نشان داده شد که ارزش شرکت یکی از مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده برای رسیدن به سطوح مدیریتی می‌باشد. علاوه بر این مشخص شد که ارزش شرکت نسبت واسط سرمایه‌گذاری شرکت و شرح حاکمیتی می‌باشد. از سوی دیگر رابطه مثبتی بین رشد پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد. تجلی هزینه‌های نمایندگی ناشی از شیوه‌ای مدیریت سود در جهت کاهش درآمد به‌عنوان یک متغیر میانجی این رابطه بوده است. در نهایت نتیجه تحقیق نشان داد که افزایش پیاده‌سازی و تأثیر حاکمیت شرکتی قوی اولویت اول ترجیحات سرمایه‌گذار خارجی می‌باشد.

زو هونگ^۶ (۲۰۱۵) به بررسی مدیریت سود، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه پرداختند. آن‌ها در یک بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۳ به بررسی ۷۷۰۲ شرکت‌های غیرمالی پذیرفته شده در بورس چین پرداختند. نتایج حاصل از بررسی هزینه‌های عمومی

¹ Cornett et al

² - Zengin and Ozkan

³ - Gunny et al

⁴ - Das et al

⁵ Aren et al

⁶ Xue & Hong

و تحقیق و توسعه با هزینه نمایندگی و مدیریت سود و با استفاده از تحلیل عاملی و مشخص کردن ۸ عامل مهم به بررسی حاکمیت شرکتی خوب و مدیریت سود و چسبندگی هزینه پرداختند. نتایج نشان داد که حاکمیت خوب شرکت‌های بزرگ بیشتر می‌تواند به کاهش چسبندگی هزینه سبب شود اما نمی‌تواند اثرات قابل توجهی بر مدیریت سود داشته باشد. کاتم و الفروغ (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی داخلی بر روی ارتباط بین کیفیت افشا و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس انگلستان پرداختند. در این تحقیق با استفاده از داده‌های پانل دیتا و رگرسیون چند متغیره به بررسی متغیرها پرداختند. کیفیت افشا پرداختند. در این تحقیق با استفاده از داده‌های پانل دیتا و رگرسیون چند متغیره به بررسی متغیرها پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه منفی بین مدیریت سود و کیفیت افشا وجود دارد و متغیرهای حاکمیت شرکتی نیز بر رابطه مدیریت سود و کیفیت افشا تأثیر ناچیزی داد. نتایج نشان داد که کیفیت افشا بیش از مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود تأثیر دارد. هدویگز و همکاران^۱ (۲۰۱۶) به بررسی به‌کارگیری حاکمیت شرکتی در مدیریت سود، پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد حاکمیت شرکتی، اثر بد مدیریت سود را کاهش می‌دهد. شوجی و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در بررسی ساختار مالکیت و مدیریت سود در بازارهای نوظهور، نشان دادند کنترل مالکیت به‌طور مثبتی با مدیریت سود، مرتبط می‌باشد و کیفیت نظارت، منافع مالکیت نهادی با فعالیت‌های مدیریت سود، رابطه منفی دارد. دای و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در بررسی انتقال حاکمیت و سهام بلوکه شده و مدیریت سود، نشان دادند که در شرکت‌هایی با سهام بلوکه شده، مدیریت سود بیشتری وجود دارد. آقایی و چالاکی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معنی‌دار منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود و همچنین بین استقلال هیئت‌مدیره و مدیریت سود وجود دارد. کاظمی (۱۳۹۶) در بررسی ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی با مدیریت سود، نشان داد نظام حاکمیت شرکتی اثربخش به کیفیت گزارشگری و سود بالاتر منجر می‌شود و مدیریت سود را محدود می‌کند. در غیاب مقرراتی که مدیران را ملزم به افشای اطلاعات درباره جریانات نقد سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها شامل فرضیات پشتیبان آن‌ها به سرمایه‌گذاران نماید، منجر به ایجاد اطلاعات محرمانه در اجتماع می‌گردد این وضعیت، مدیران را به این سمت سوق می‌دهد که تصمیمات سرمایه‌گذاری نامناسب خود را پوشش دهند که یکی از مهم‌ترین ابزارها در این راستا، مدیریت سود خواهد بود. این در حالی است که سازوکارهای راهبری، مالکیت و حسابرسی حاکمیت شرکتی، می‌توانند با ایفای نقش نظارتی خود، موجب تضعیف و محدودسازی جریان نقد آزاد اضافی گردند. بر اساس تئوری نمایندگی، بین منافع مدیران و منافع ذینفعان، تضاد منافع بالقوه‌ای وجود دارد. در شرکت‌های با سطح پایین نظارت و فاقد ابزارهای لازم برای نظارت بر تصمیم‌گیری‌های مدیران، مدیران ممکن است در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی مثبت سرمایه‌گذاری نکنند یا در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که در جهت منافع آن‌ها باشد. مالکان به‌منظور کاهش دادن این تضاد منافع، می‌توانند از سازوکارهای نظارتی، محرک‌های انگیزشی و ابزارهایی استفاده کنند تا اطمینان یابند که مدیران در جهت منافع مالکان در حرکت هستند. اساسی (۱۳۹۶) در بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره؛ کیفیت حسابرسی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی رابطه منفی و معناداری دارند درحالی‌که بین اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل و تمرکز مالکیت رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به‌مرور پیشینه تحقیق، به آزمون فرضیه‌های زیر پرداخته می‌شود:

فرضیه اصلی:

مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی داخلی بر مدیریت سود شرکت‌های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد.

¹ Hedwigis

² Shuji

³ Dai

فرضیه های فرعی:

۱. بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.
۲. بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.
۳. بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.
۴. بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.
۵. بین جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.
۶. بین جلسه هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.
۷. بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.

۳-مدل و داده

برای اندازه گیری متغیرهای تحقیق، با الگوپذیری از تحقیق کاتم و الفروغ (۲۰۱۵)، به اندازه گیری متغیرها خواهیم پرداخته شده است.

متغیر وابسته:

DACC: برای اندازه گیری مدیریت سود از مدل تعدیل یافته جونز (۱۹۹۵) از اندازه گیری اقلام تعهدی اختیاری، استفاده می شود. برای اندازه گیری متغیرهای اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری با استفاده از مدل جونز (۱۹۹۱) به صورت زیر محاسبه می شود:

$$\frac{ACCR_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_{0t} \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_{1t} \left(\frac{\Delta REV_{1t}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_{2t} \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \epsilon_{it}$$

ΔREV_{1t} : تغییرات درآمد را نشان می دهد که از تفاوت فروش سال قبل و سال جاری بدست می آید.

PPE_{it} : داراییهای ثابت مشهود که همان اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص را نشان می دهد.

A_{it-1} : نشان دهنده مجموع داراییها می باشد.

پس از محاسبه کل اقلام تعهدی و قرار دادن آن در مدل زیر اقلام تعهدی غیر اختیاری محاسبه می شود:

$$NDAC_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{1t}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right)$$

برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری نیز از رابطه زیر استفاده می گردد:

$$DAC_{it} = \frac{ACCR_{it}}{A_{it-1}} - NDAC_{it}$$

مجموع اقلام تعهدی (ACCR) از رابطه زیر بدست می آید:

$$ACCR_{it} = E_{it} - OCF_{it}$$

$$ACCR_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STD_{it}) - DEP_{it}$$

مدل های بالا E معرف سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه می باشد. OCF وجوه نقد حاصل از عملیات، CA داراییهای جاری، CL بدهیهای جاری، STD حصه جاری بدهی های بلند مدت و DEP استهلاک می باشد.

متغیر مستقل:

حاکمیت شرکتی داخلی

در این تحقیق برای اندازه گیری حاکمیت شرکتی داخلی، از هشت معیار زیر استفاده شده است:

ACIND: درصد مدیران مستقل در کمیته حسابرسی را اندازه گیری می نماید که این اگر این نسبت صد درصد باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

ACSIZE: برای اندازه گیری تعداد اعضای کمیته حسابرسی استفاده می شود. زمانی که تعداد این اعضا بزرگتر از ۳ باشد، این متغیر برابر یک و در غیر این صورت، برابر صفر است.

ACMEET: این متغیر برای اندازه گیری تعداد جلسات هیئت مدیره در و طول سال استفاده می شود. اگر تعداد این جلسات بزرگتر از سه باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

ACEXP: این متغیر برای اندازه گیری تعداد متخصصان در کمیته حسابرسی استفاده می شود. اگر این تعداد از متخصصان بزرگتر از یک باشد، این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

BODIND: درصد مدیران مستقل در هیئت مدیره (به استثنای رئیس)

BODSIZE: این متغیر برای اندازه گیری اعضای هیئت مدیره استفاده می شود که از نسبت تعداد کل اعضای هیئت مدیره بدست می آید.

BODMEET: این متغیر برای اندازه گیری تعداد کل جلسات هیئت مدیره استفاده می شود.

۴BIG: برای اندازه گیری نوع کمیته حسابرسی شرکت ها استفاده می شود. یک متغیر مجازی است که با مقادیر صفر و یک نشان داده می شود. مقدار یک برای شرکت هایی که عضو سازمان حسابرسی (بزرگترین موسسه حسابرسی در ایران) و مقدار صفر برای شرکت های که سایر موسسات حسابرسی را به نوان حسابرس انتخاب نموده اند.

چون در یک پژوهش اثرات همه متغیرها قابل بررسی نیست، پژوهشگر اثرات برخی متغیرها را از طریق کنترل آماری یا کنترل های پژوهشی خنثی می کند و یا متغیرهایی که اثرات آنها توسط پژوهشگر قابل حذف است متغیرهای کنترلی این تحقیق نیز عبارتند از:

SIZE_{it}: اندازه شرکت i در سال t برابر با لگاریتم میزان فروش

LEV_{it}: نسبت اهرمی شرکت i در سال t برابر نسبت بدهیها به ارزش دفتری دارایی ها؛

YEAR: متغیر مجازی سال را نشان می دهد.

INDUSTRY: متغیر مجازی صنعت را نشان می دهد.

LOSS: یک متغیر مجازی است اگر شرکتی سود منفی داشته باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

CHGEINSALES: این متغیر برای اندازه گیری تغییر در عملکرد استفاده می شود؛ که نسبت تغییرات در فروش بدست می آید.

PPE/LTA: این متغیر برای اندازه گیری فرصت های سرمایه گذاری بدست می آید؛ که از تقسیم اموال و دارایی های شرکت بر کل دارایی ها بدست می آید.

PROFIT: این نسبت برای اندازه گیری بازده دارایی استفاده می شود.

NCF/LTA: این متغیر از تقسیم خالص جریان نقد عملیاتی بر کل دارایی ها دوره قبل بدست می آید.

TACF/LTA: قدر مطلق کل ارقام تعهدی است که ارقام تعهدی از نسبت: درآمد خالص منهای خالص جریان نقد عملیاتی به کل دارایی های دوره قبل بدست می آید.

$$DACC = \beta_0 + \beta_1 ACIND_{it} + \beta_2 ACSIZE_{it} + \beta_3 ACMEET_{it} + \beta_4 ACEXP_{it} + \beta_5 BODIND_{it} + \beta_6 BODSIZE_{it} + \beta_7 BODMEET_{it} + \beta_8 BIG4_{it} + \beta_9 SIZE_{it} + \beta_{10} PROFIT_{it} + \beta_{11} LOSS_{it} + \beta_{12} LEV_{it} + \beta_{13} CHANGESALES_{it} + \beta_{14} \frac{PPE}{LTA_{it}} + \beta_{15} \frac{NCF}{LTA_{it}} + \beta_{16} \frac{TACF}{LTA_{it}} + \varepsilon$$

در این مقاله تلاش شده با استفاده از به کارگیری آخرین روش های برآورد در داده های تابلویی ایرادات موجود در مطالعات قبلی را تا حد امکان رفع کرده و نتایج سازگار و قابل اعتمادی ارائه گردد. بازه زمانی تحقیق در بازار بورس، بین سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۱ بوده است؛ که ۱۱ شرکت بیمه ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به صورت حذفی سیستماتیک، از بازار بورس، به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۴- داده ها و نتایج تجربی:

۴-۱- آمار توصیفی

اولین گام در تحلیل آماری تعیین مشخصات خلاصه شده داده ها و محاسبه شاخص های توصیفی می باشد. هدف از این تحلیل شناخت روابط درونی متغیرها و نشان دادن رفتار آزمودنی ها می باشد تا مقدمات تحلیل آماری فراهم شده و خصوصیات توصیفی برای تحلیل بیشتر آشکار گردد (هومن، ۱۳۸۳). تحلیل داده ها در این بخش با محاسبه شاخص های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص های پراکندگی از قبیل انحراف معیار، حدکثر و حداقل مقدار متغیرها انجام شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

CHGE INSALES_	BODSIZE_	BODMEET_	BIG4	ACSIZE	ACMEET	ACIND	ACEXP	
۰/۴۸۳۰۹۴	۰/۳۲۹۸۷۰	۲/۱۲۷۲۷۳	۰/۳۶۳۶۳۶	۰/۴۵۴۵۴۵	۰/۱۲۷۲۷۳	۰/۴۹۰۹۰۹	۰/۴۰۰۰۰۰	میانگین
۰/۲۳۹۰۶۲	۰/۴۰۰۰۰۰	۲/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	میانه
۳/۱۷۶۵۹۳	۰/۸۰۰۰۰۰	۹/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	ماکزیمم
-۰/۸۴۰۴۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	مینیمم
۰/۸۵۳۱۴۱	۰/۱۹۴۱۵۶	۱/۵۱۶۰۲۰	۰/۴۸۵۴۷۹	۰/۵۰۲۵۱۹	۰/۳۶۳۵۰	۰/۵۰۴۵۲۵	۰/۹۴۴۴۱۳	انحراف معیار
۱/۳۲۸۵۹۶	۰/۴۸۵۷۸۰	۲/۳۲۵۲۲۳	۰/۵۶۶۹۴۷	۰/۱۸۲۵۷۴	۲/۲۳۶۷۳۳	۰/۰۳۶۳۷۰	۰/۴۰۸۲۴۸	چولگی
۴/۵۷۵۷۱۱	۳/۱۷۹۳۹۱	۱۰/۴۵۵۸۹	۱/۳۲۱۴۲۹	۱/۰۳۳۳۳۳	۶/۰۰۲۹۷۶	۱/۰۰۱۳۲۳	۱/۱۶۶۶۶۷	کشیدگی
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	تعداد شرکت
۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	تعداد مشاهده

TACF_LT A_	SIZE	PROFIT_	NCF_LT A_	LOSS	LEV_	DACC_	
-۰/۰۲۱۵۷۱	۴/۹۶۰۲۰۰	۰/۰۴۸۳۲۶	۰/۰۶۹۸۹۷	۰/۰۳۶۳۶۴	۰/۷۱۸۸۲۷	-0.0000001	میانگین
-۰/۰۰۹۵۵۷	۴/۹۹۷۷۳۱	۰/۰۴۲۸۲۱	۰/۰۴۲۱۳۴	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۷۸۰۳۰۳	-۰/۰۲۱۱۸۰	میانه
۰/۱۸۲۹۶۹	۵/۶۶۲۵۰۱	۰/۱۸۵۷۹۷	۰/۵۹۹۵۴۱	۱/۰۰۰۰۰۰	۱/۷۴۷۱۶۹	۰/۳۸۸۱۱۵	ماکزیمم
-۰/۴۹۲۱۳۰	۳/۹۶۷۳۶۱	-۰/۱۱۸۵۹۴	۰/۰۰۲۸۲۸	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۹۷۴۹۲	-۰/۱۷۵۴۳۸	مینیمم

انحراف معیار	۰/۰۸۲۹۳۲	۰/۲۷۴۸۸۱	۰/۱۸۸۹۱۹	۰/۱۰۰۴۶۱	۰/۰۵۰۷۴۴	۰/۴۳۴۶۲۷	۰/۱۱۹۰۲۷
چولگی	۲/۳۰۸۹۲۲	-۰/۱۳۷۱۳۷	۴/۹۵۳۵۵۸	۳/۱۰۰۵۶۱	۰/۴۷۶۸۱۳	-۰/۳۸۶۵۴۶	-۱/۶۱۲۳۶۳
کشیدگی	۱۰/۹۶۴۵۸	۶/۳۴۳۱۱۵	۲۵/۵۳۷۷۴	۱۳/۳۸۲۵۰	۵/۷۵۱۰۰۶	۲/۴۰۴۵۰۹	۷/۶۵۳۰۱۷
تعداد شرکت	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
تعداد مشاهده	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵	۵۵

۴-۲-آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

در انجام این پژوهش، به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد. روش حداقل مربعات معمولی بر این فرض استوار است که متغیر دارای توزیع نرمال است و توزیع غیر نرمال آن منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می‌شود. لذا لازم است نرمال بودن متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. در مطالعه حاضر آزمون نرمال بودن از طریق آماره جارک-برا مورد بررسی قرار می‌گیرد. اگر سطح معناداری آماره این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرها پذیرفته می‌شود. نتایج آزمون جارک-برا برای متغیرها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. آماره جارک-برا متغیرهای وابسته تحقیق

آزمون نرمالیت	DACC_
جارک-برا	۱۹۴/۲۳۹۷
معنی داری	۰/۰۰۰۰۰۰

در جدول (۲) با توجه به کوچکتر بودن مقدار معناداری آماره جارک-برا از سطح معناداری ۰/۰۵، متغیر نرمال نمی‌باشد و مناسب بسیاری از تجزیه و تحلیل‌های بعدی نیست؛ لذا باید داده‌ها را با روشهای آماری مناسب تبدیل کرد. انواع روشهای آماری تبدیل داده‌ها به شرح زیر می‌باشد.

- ۱- وارون سازی داده‌ها
- ۲- لگاریتم^۱
- ۳- ریشه دوم
- ۴- تبدیل جانسون^۲
- ۵- تبدیل باکس کاکس^۳

که در این پروژه از تبدیل باکس کاکس در نرم افزار مینی تب^۴ کمک گرفته شد، آزمون جارک-برا بار دیگر بر روی داده‌های تبدیل یافته انجام شد که نتایج در جدول ذیل قابل مشاهده است.

جدول ۳. آماره جارک-برا متغیر وابسته تحقیق پس از نرمال سازی

آزمون نرمالیت	DACC
جارک-برا	۰/۰۵۶۹۵۴
معنی داری	۰/۹۷۱۹۲۵

^۱ LOG

^۲ Johnson Transformation

^۳ Box-Cox transformation

^۴ Minitab 17

همانگونه که در جدول (۳) دیده می شود مقدار معناداری آماره جاک-برا از سطح معناداری ۰/۰۵ بیشتر بوده و بیانگر نرمال بودن متغیر می باشد.

۳-۴-آزمون مانایی متغیرها (ریشه واحد):

به منظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای تحقیق استفاده می گردد. در صورتی که سری های زمانی مورد استفاده در رگرسیون پایا نباشد، ممکن است دچار رگرسیون کاذب شویم. نتیجه آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای مدل مورد بررسی در ذیل آمده است.

جدول ۴. بررسی مانایی متغیرها

نتیجه آزمون	آزمون فیلیپس پرون		متغیر
	معناداری	آماره	
تایید	۰/۰۰۸۱	۳۸/۳۲۲۱	BODIND
تایید	۰/۰۳۸۹	۳۳/۲۱۶۵	BODMEET
تایید	۰/۰۴۳۲	۳۲/۰۱۳۱	BODSIZE
تایید	۰/۰۰۳۸	۴۳/۷۹۲۴	CHGEINSALES
تایید	۰/۰۰۱۰	۴۸/۲۷۶۵	DACC
تایید	۰/۰۰۱۰	۴۸/۳۷۷۶	LEV
تایید	۰/۰۰۰۰	۶۰/۸۳۲۵	NCF_LTA
تایید	۰/۰۰۹۲	۴۰/۵۸۲۲	PROFIT
تایید	۰/۰۲۶۴	۳۶/۵۶۰۹	SIZE
تایید	۰/۰۳۴۱	۳۵/۵۲۳۶	TACF_LTA

نتایج جدول (۴) نشان دهنده این است که برای تمامی متغیرها، مقدار آماره احتمال تمامی آزمون ها کمتر از ۰.۰۵ می باشد و این نشان دهنده این است که تمامی متغیرهای تحقیق در سطح مانا می باشند.

آزمون تشخیص مدل:

به منظور تخمین مدل مربوط به فرضیه ها، در ابتدا باید نوع روش تخمین، مشخص گردد؛ بنابراین، ابتدا برای تشخیص بین اینکه باید از روش پولینگ دیتا استفاده شود یا از روش داده های تلفیقی استفاده شود، آماره چاو (F لیمر) محاسبه می شود. با توجه به فرض ثابت بودن ضرایب متغیرها، آیا عرض از مبدا در تمامی سال ها ثابت است یا خیر. به طور کلی برای انتخاب از میان مدل Pooled و Panel از آزمون زیر استفاده می کنیم:

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \alpha_3 = \dots = \alpha_{t-1} \\ H_1: \alpha_i \neq \alpha_j \end{array} \right.$$

(مدل pooled) تمام عرض از مبداها با هم برابرند

(مدل panel) حداقل یکی از عرض از مبداها با بقیه متفاوت است

جدول ۵. نتایج آزمون F لیمر

متغیر وابسته	آماره	درجه آزادی	معناداری
DACC	0.991438	(10,29)	0.4727

با توجه به اینکه مقدار معناداری^۱ در مدل بزرگتر از ۰/۰۵ است پس فرضیه صفر این آزمون که بیان کننده ترجیح روش پولینگ دیتا بر روش داده های تلفیقی است رد نشده و تخمین با روش پولینگ دیتا ترجیح داده می شود و نباید عرض از مبدأ برای معادله لحاظ نمود.

۴-۴- هم خطی متغیرها

در اقتصادسنجی همخطی زمانی اتفاق می افتد که دو یا بیش از دو متغیر توضیح دهنده (مستقل) در یک رگرسیون چند متغیره نسبت به یکدیگر از همبستگی بالایی برخوردار باشند. منظور از همبستگی در اینجا وجود یک ارتباط خطی بین متغیرهای مستقل است. بسته به شدت همبستگی بین متغیرهای مستقل، میزان و نوع همخطی متفاوت خواهد بود. همخطی کمابیش در همه مدل های رگرسیون موجود است؛ آنچه که مهم است شدت همخطی بین متغیرهای مستقل است. وجود «همخطی کامل» موجب نقض فرض های کلاسیک مدل رگرسیون می شود. در این مطالعه برای بررسی هم خطی بین متغیرهای توضیحی از ضریب همبستگی بین آن ها استفاده شده است؛ که نتایج آن در جدول (۶) آمده است.

جدول ۶. مقدار ضریب همبستگی

Correlation	ACEXP	ACIND	ACMEET	ACSIZE	BIG4	BODIND	BODMEET	BODSIZE	CHGEINSA	DACC	LEV	LOSS	NCF_LTA	PROFIT	SIZE	TACF_LTA
ACEXP	۱.۰۰۰															
ACIND	۰.۰۸۹	۱.۰۰۰														
ACMEET	۰.۰۲۲	-۰.۲۶۶	۱.۰۰۰													
ACSIZE	۰.۲۲۴	۰.۱۹۹	۰.۰۹۰	۱.۰۰۰												
BIG4	۰.۰۰۰	۰.۰۸۹	-۰.۱۷۵	۰.۱۴۵	۱.۰۰۰											
BODIND	-۰.۱۲۵	-۰.۰۸۳	-۰.۲۲۱	-۰.۱۶۵	-۰.۱۷۰	۱.۰۰۰										
BODMEET	-۰.۰۰۸	-۰.۲۱۲	۰.۲۷۳	۰.۰۲۵	-۰.۲۷۵	-۰.۳۲۰	۱.۰۰۰									
BODSIZE	-۰.۰۴۳	-۰.۲۶۷	۰.۱۳۷	۰.۰۳۵	-۰.۲۸	-۰.۲۹	۰.۲۱۴	۱.۰۰۰								
CHGEINSALES	۰.۱۷۸	-۰.۱۸۷	-۰.۱۱۸	-۰.۰۷۱	۰.۰۸۳	۰.۱۱۹	-۰.۱۳۲	-۰.۱۵۶	۱.۰۰۰							
DACC	-۰.۰۴۵	-۰.۱۳۷	-۰.۲۴۳	۰.۰۹۱	۰.۱۸۴	-۰.۱۶۷	-۰.۱۸۰	۰.۱۱۰	-۰.۱۸۵	۱.۰۰۰						
LEV	-۰.۲۶۱	-۰.۱۱۶	۰.۰۲۰	-۰.۰۱۶	-۰.۰۵۹	۰.۰۵۰	۰.۱۱۲	-۰.۱۳۶	۰.۱۹۷	-۰.۲۹۷	۱.۰۰۰					
LOSS	۰.۰۴۰	۰.۰۰۴	-۰.۰۷۴	۰.۰۱۸	۰.۰۵۵	-۰.۱۳۷	-۰.۰۰۵	-۰.۱۵۹	۰.۲۹۴	۰.۱۸۴	۰.۲۴۴	۱.۰۰۰				
NCF_LTA	-۰.۲۲۴	-۰.۰۹۳	۰.۲۱۱	-۰.۰۶۹	-۰.۲۰۶	۰.۱۷۲	۰.۰۲۴	-۰.۰۹۰	۰.۰۹۶	۰.۰۷۸	۰.۲۶۱	۰.۰۷۳	۱.۰۰۰			
PROFIT	-۰.۲۱۶	-۰.۰۵۲	-۰.۰۲۹	-۰.۱۴۲	-۰.۰۹۱	۰.۱۶۰	۰.۰۳۹	-۰.۱۱۶	۰.۲۹۰	-۰.۲۱۴	۰.۲۹۸	۰.۲۴۳	۰.۲۵۲	۱.۰۰۰		
SIZE	۰.۲۰۷	-۰.۰۰۸	-۰.۰۳۷	۰.۱۵۹	۰.۲۱۷	-۰.۲۲۷	۰.۰۳۴	۰.۱۶۵	-۰.۰۱۳	-۰.۰۴۷	-۰.۲۷۴	-۰.۱۶۵	-۰.۲۲۶	-۰.۲۴۱	۱.۰۰۰	
TACF_LTA	۰.۲۶۴	۰.۱۳۸	-۰.۰۸۰	۰.۱۰۷	۰.۱۵۳	-۰.۱۸۹	۰.۰۰۷	۰.۰۷۵	-۰.۱۸۷	-۰.۰۵۴	-۰.۲۳۷	-۰.۲۳۲	-۰.۲۰۳	-۰.۲۰۴	۰.۲۱۸	۱.۰۰۰

همانطور که مشخص است بیشترین مقدار قدر مطلق ضریب همبستگی بین متغیرها برابر با مقدار ۰/۲۹۸ می باشد و سایر مقادیر بسیار اندک به دست آمده و این نشان دهنده این است که بین متغیرهای توضیحی هم خطی وجود ندارد.

^۱ p-value

۴-۵- تخمین مدل ها:

آزمون خود همبستگی یکی از فروض کلاسیک رگرسیون است. آماره دوربین- واتسن^۱، یک آماره آزمون می باشد که برای بررسی وجود خود همبستگی^۲ (رابطه بین مقادیری که با تاخیر زمانی^۳ مشخص از یکدیگر جدا شده اند) بین باقیمانده ها در تحلیل رگرسیون استفاده می گردد. مقدار این آماره همواره بین (۰ تا ۴) قرار میگیرد که آستانه های مورد پذیرش آن به صورت زیر است: مقدار ۲ برای این آماره نشانگر عدم وجود خود همبستگی می باشد که حالت مطلوب در فرضیات اصلی مربوط به باقیمانده ها در تحلیل رگرسیون می باشد. اصلا مقدار کمتر از ۲ همبستگی پیاپی مثبت (نوعی همبستگی پیاپی می باشد که در آن مقدار باقیمانده مثبت برای یک مشاهده شانس مثبت بودن باقیمانده مشاهده دیگر را افزایش میدهد و بالعکس) و مقدار بیشتر از ۲ این آماره همبستگی پیاپی منفی را در بین باقیمانده نشان می دهد. لازم به ذکر است مقدار آماره آزمون اگر کمتر از ۱ یا بیشتر از ۳ باشد زنگ هشدار برای وجود خود همبستگی مثبت یا منفی بین باقیمانده می باشد. همانطور که مشخص است مقدار این آماره در این مطالعه نزدیک به ۲ می باشد که این مقدار نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی می باشد که حالت مطلوب در فرضیات اصلی مربوط به باقیمانده ها می باشد.

جدول ۷. تخمین مدل تحقیق

متغیر	ضریب	آماره تی
ACEXP	-0.068329	-2.963807
ACIND	-0.087636	-2.021160
ACMEET	-0.182459	-1.194798
ACSIZE	0.001532	0.021047
BIG4	0.016971	0.223926
BODIND	-0.471206	-2.509475
BODMEET	-0.197259	-1.274196
BODSIZE	0.349275	1.114740
CHGEINSALES	-0.093279	-2.102683
LEV	0.124553	0.448265
LOSS	0.448986	1.153313
NCF_LTA	-0.022258	-0.196565
PROFIT	-0.485911	-0.821996
SIZE	0.008377	0.049495
TACF_LTA	-0.082694	-1.407833
C	1.624464	2.958456
برازش کلی مدل	F= 2.713910 prob(F)= 0.005351 D.W=2.231536 R ^۲ =0.700561	

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی مدل در جدول ۷ گزارش شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل و سطح معناداری مربوط به F ها همگی کوچکتر از ۰/۰۵ است حاکی از معنی دار بودن متغیرهای ورودی از جمله متغیرهای کنترلی و مستقل، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشد و نشان از برازش مناسب مدل دارد.

^۱ Durbin-Watson statistic

^۲ autocorrelation

^۳ lag

فرضیه فرعی اول: بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) بر متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) برابر $0/087636$ - محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $2/021160$ - به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است؛ بنابراین می توان گفت با احتمال 95% درصد بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی معناداری وجود دارد و فرضیه فرعی اول تایید می گردد.

فرضیه فرعی دوم: بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل استقلال هیئت مدیره (BODIND) بر متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) برابر $0/471206$ - محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $2/509475$ - به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است؛ بنابراین می توان گفت با احتمال 95% درصد بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی معناداری وجود دارد و فرضیه فرعی دوم تایید می گردد.

فرضیه فرعی سوم: بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE) بر متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) برابر $0/01532$ - محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $0/21047$ - به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست؛ بنابراین می توان گفت بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه فرعی سوم رد می گردد.

فرضیه فرعی چهارم: بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل اندازه هیئت مدیره (BODSIZE) بر متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) برابر $0/349275$ - محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $1/114740$ - به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست؛ بنابراین می توان گفت بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه فرعی چهارم رد می گردد.

فرضیه فرعی پنجم: بین جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل جلسات کمیته حسابرسی (ACMEET) بر متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) برابر $0/182459$ - محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $1/194798$ - به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست؛ بنابراین می توان گفت

بین جلسات کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه فرعی پنجم رد می گردد.

فرضیه فرعی ششم: بین جلسه هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل جلسه هیئت مدیره (BODMEET) بر متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) برابر $-0/197259$ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $-1/274196$ به دست آمده است که قدر مطلق آن کوچکتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار نیست؛ بنابراین می توان گفت بین جلسه هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه فرعی ششم رد می گردد.

فرضیه فرعی هفتم: بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد.

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل تخصص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP) بر متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) برابر $-0/068329$ محاسبه شده است و آماره تی آزمون نیز $-2/963807$ به دست آمده است که قدر مطلق آن بزرگتر از مقدار بحرانی t در سطح خطای 5% یعنی $1/96$ بوده که نشان می دهد ضریب مشاهده شده معنی دار است؛ بنابراین می توان گفت با احتمال 95% درصد بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی معناداری وجود دارد و فرضیه فرعی هفتم تایید می گردد.

فرضیه اصلی: مکانیسم های حاکمیت شرکتی داخلی بر مدیریت سود شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر دارد.

با وجه به عدم معناداری رابطه متغیر های اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE) و اندازه هیئت مدیره (BODSIZE) و جلسات کمیته حسابرسی (ACMEET) و جلسه هیئت مدیره (BODMEET) با متغیر وابسته ارزش بازاری سهام (DACC) در مجموع می توان گفت که مکانیسم های حاکمیت شرکتی داخلی بر مدیریت سود شرکت های بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری ندارد؛ و فرضیه اصلی رد می گردد.

۵- نتیجه گیری

در گذشته حاکمیت شرکتی بیشتر برای راهبری شرکت تمرکز داشت تا کنترل آن، اما امروزه این امر ابعاد گسترده تری پیدا کرده و کنترل را نیز در بر می گیرد. برقراری قوانین حاکمیت شرکتی برای پیروز شدن بر مشکلات حاصل از پراکندگی سهامداران و اطمینان از احراز منافع کلیدی ذینفعان ضرورت دارد پژوهش حاضر به دنبال بررسی موضوع حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های بیمه، بوده است. این تحقیق در بازه زمانی $1395-1391$ اجرا شد، نتایج تحقیق نشان داد استقلال کمیته حسابرسی، استقلال هیئت مدیره و تخصص مالی کمیته حسابرسی با مدیریت سود، رابطه منفی دارد. بدین معنی که با افزایش استقلال هیئت مدیره و کمیته حسابرسی، مدیریت سود در شرکت ها، کاهش می یابد و همچنین تخصص مالی کمیته حسابرسی، مدیریت سود در شرکت ها را، کاهش می دهد. اما فرضیه اصلی تحقیق، مبنی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود، مورد تأیید قرار نگرفت. نظارت دقیق بر عملکرد، همراه با تفکیک مدیریت واحدهای اقتصادی از مالکیت آن ها در نهایت به حفظ حقوق سرمایه گذاران و ذینفعان منجر خواهد شد چرا که موضوعاتی همچون بی طرفی، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری از اصول و مبانی راهبری شرکتی در همکاری و توسعه اقتصادی ارزش زا است. باید توجه داشت استقرار این

نظام با آگاهی روزافزون ذی‌نفعان نسبت به حقوق و نیازهای خود، طبق معیارهای نوین نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و ترویج همه جانبه آن در دستیابی به اهداف مورد نظر آن است. با عنایت به نتایج پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر برای تحقیقات آتی عنوان می‌گردد:

بررسی تأثیر حساسیت جریان نقدی بر مدیریت سود؛

بررسی ارتباط خوش‌بینی مدیریت و مدیریت سود؛

بررسی ارتباط بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و کارایی سرمایه‌گذاری؛

بررسی ارتباط بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی.

منابع

۱. اساسی، فریبرز، ۱۳۹۶، تأثیر حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دهمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد و مدیریت، رشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، <https://www.civilica.com/Paper-ICOEM-4-ICOEM-4.html>
۲. آقایی، محمدعلی. ۱۳۸۹. بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت تحقیقات حسابداری، سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۴
۳. بولو، قاسم. طالبی، میثم. (۱۳۸۹). معیارها و مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود، ماهنامه اقتصادی بورس. شماره ۹۲. صص ۱۰-۱۸.
۴. کاظمی، مریم، ۱۳۹۶، ارتباط بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی با مدیریت سود، پنجمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی، شیراز، موسسه آموزشی مدیران خبره نارون، <https://www.civilica.com/Paper-MAVC-5-MAVC-5.html>
۵. نمازی، محمد؛ کرمانی، احسان. ۱۳۸۷. تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۳، ۸۳ - ۱۰۰
6. Abedalqader Ali Al-Thuneibat, Hussam Abdulmohsen Al-Angari, Saleh Abdulrahman Al-Saad, (2016) "The effect of corporate governance mechanisms on earnings management: Evidence from Saudi Arabia", Review of International Business and Strategy, Vol. 26 Issue: 1, pp.2-32, <https://doi.org/10.1108/RIBS-10-2013-0100>
7. Alvesa H.S. Canadasa, A, Rodriguestekhne. (2015). Voluntary disclosure, information asymmetry and the perception of governance quality: An analysis using a structural equation model, TÉKHNE - Review of Applied Management Studies (2015), of Pages 1-14
8. Andreou.Panayiotis C. Louca.Christodoulos, Photis M. Panayides(2014). Corporate governance, financial management decisions and firm performance: Evidence from the maritime industry, Transportation Research Part E 63 (2014) 59-78
9. Arena.selim, özkan kayagilb.süleyman, dinç aydemirc. Sibel. 2014 "the determinants and effects of corporate governance level: evidence from istanbul stock exchange" procedia - social and behavioral sciences 150 2014 1061 - 1070
10. Benjamin, Ehikoya, (2009), Corporate Governance Structure and firm performance in developing countries, niejeria, Vol 9, pp231-244.

11. Dai.Lili, Ravi Dharwadkar, Linna Shi, Bohui Zhang. (2017).The governance transfer of blockholders: Evidence from block acquisitions and earnings management around the world, *Journal of Corporate Finance*, Volume 45, August 2017, Pages 586-607
12. Das,Somnath. Pervin K,Shroff. Haiwen,Zhang. (2009). “Quarterly Earnings Patterns and Earnings Management”. *Contemporary Accounting Research*.Vol 26.No3.pp:797-831.
13. Dey, A. (2008). "Corporate Governance and Agency Conflicts." *Journal of Accounting Research*, Vol. 46, No. 5, pp. 1143-1181
14. Fairus.Mohd A. Rahima, Razana Juhaida Joharib*, Nur Fikhriah Takril. (2015). Revisited Note on Corporate Governance and Quality of Audit Committee: Malaysian Perspective, *Procedia Economics and Finance* 28 (2015) 213 – 221
15. Fairus.Mohd A. Rahima, Razana Juhaida Joharib*, Nur Fikhriah Takril. (2015). Revisited Note on Corporate Governance and Quality of Audit Committee: Malaysian Perspective, *Procedia Economics and Finance* 28 (2015) 213 – 221
16. Gunny, Katherine. John, Jacob. Bjorn, N Jorgensen. (2008). “Earnings Attributes of Alternate Annual Reporting Periods”. *Financial Accounting and Reporting Section (FARS) Paper*
17. Hasan, A. and Butt, S. A. (2009). "Impact of Ownership Structure and Corporate Governance on Capital Structure of Pakistani Listed Companies." *International Journal of Business and Management*, Vol. 4, No. 2, pp. 50-57.
18. He, E. and D. W. Sommer (2010). "Separation of Ownership and Control: Implications for Board Composition." *The Journal of Risk and Insurance*, Vol. 77, No. 2, pp. 265-295
19. Hedwigis Esti Riwayati, Markonah, Muljanto Siladjaja. (2016).Implementation of Corporate Governance Influence to Earnings Management, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 219, 31 May 2016, Pages 632-638
20. Katmon. Nooraisah, Al Farooque.Omar. (2015).Exploring the Impact of Internal Corporate Governance on the Relation Between Disclosure Quality and Earnings Management in the UK Listed Companies, DOI 10.1007/s10551-015-2752-8
21. Kouaib,Amel; Jarbouib,Anis(2014)” External audit quality and ownership structure: interaction and impact on earnings management of industrial and commercial Tunisian sectors”, *Journal of Economics, Finance and Administrative Science* 19 (2014) 78–89
22. Kouki M, Guizani M. (2011), "Corporate Governance and Dividend Policy In Poland" *Warsaw School Of Economics*, World Economy Research Institute, Al. Niepodlegosci Warsaw, Poland, 162,PP. 02-554.
23. Shuji Rosey Bao, Krista B. Lewellyn. (2017). Ownership structure and earnings management in emerging markets—An institutionalized agency perspective, *International Business Review*, Volume 26, Issue 5, October 2017, Pages 828-838
24. Usman, S. H. (2013). Financial reporting quality, does monitoring characteristics matter? An empirical analysis of Nigerian manufacturing sector. *The Business and Management Review*, 3(2), 148–161.
25. xue.Shuang, hong.yun.2015.” Earnings management, corporate governance and expense stickiness” *china journal of accounting research*, in press, corrected proof, available online ۱۱ march 2015
26. Zengin, Yasemin. Serdar,Ozkan. (2010).“ audit quality and earnings management in interim financial reports”. www.SSRN.com

Investigating the Relationship between Corporate Governance and Earnings Management in the Insurance Industry

Amir Farshad Houshmandi Rad

Master of Law, Saman Insurance Inspector

Abstract

In order to eliminate distrust in global markets, the concept of corporate governance has been raised, the existence of corporate governance is in the interest of all financial interests of the company and different sectors of the economy. Favorable corporate governance plays an important role in improving efficiency and, at the same time, increasing investor confidence as an important factor in the economy. In this study, the relationship between corporate governance and earnings management in the insurance industry has been investigated. To this end, we examined the elements of internal corporate governance (independence of the audit committee, the independence of the board, the size of the audit committee, the size of the board, the meetings of the audit committee, the board meeting, the financial expertise of the audit committee). This research was conducted in the insurance industry from 2012-2016. Research hypotheses were tested using Eviews software. The results showed that among the eight criteria of internal corporate governance, the independence of the board, the independence of the audit committee and the expertise of the audit committee, has a negative effect on earnings management, but other variables did not affect earnings management.

Keywords: Corporate Governance, Earning Management, Insurance Industry
